



فرشاد گلزاری

از قدیم‌الایام تاکنون یک رقابت غیر علنی ولی کاملاً مشخص میان کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس وجود داشته و تاکنون نیز ادامه دارد. بدون تردید این روند صرفاً به چشم و هم‌چشمی‌های اقتصادی، سیاسی و یا نظامی مربوط نمی‌شود بلکه محورهای وسیع‌تر و بزرگ‌تر از این مسائل در میان است که حتی باعث می‌شود دولت‌های عربی حاشیه خلیج فارس به رهبری عربستان سعودی تا این حد میان خود اختلاف داشته باشند. این باور که ریاض همچنان به صورت گسترده در حال اعمال نفوذ میان کشورهای حاشیه خلیج فارس است، تا حدود زیادی در میان نخبگان امر سیاست از بین رفته و به زعم آنها ورق تاحد زیادی برگشته است. عربستان سعودی اگر چه به دلیل انتساب عنوان «خادمین حرمین» به خود توانسته جهان عرب و دنیای اسلام را زیر نظر خود بگیرد و هدایت کند، اما واقعیت قرن بیست و یکم آن هم در مورد کشورهای حاشیه خلیج فارس به گونه‌ای دیگر در حال تغییر است. اینکه امروزه قطر با هزینه‌های میلیارد دلاری میزبان جام جهانی می‌شود یا اینکه کویت به بزرگ‌ترین کشور برای صدور بیمه‌نامه‌های تجاری تا سقف‌های میلیارد دلاری در جهان معروف شده است و یا اینکه امارات به قطب جذب سرمایه خارجی در منطقه و حتی آسیا تبدیل می‌شود و با اسرائیل هم روابطش را عادی کرده، به نوعی گویای این موضوع است که سعودی‌ها دیگر نمی‌توانند همانند گذشته همه‌مسایک‌ان خود امر و نهی کنند. حتی در مقاطع مختلفی شاهد تشدید اختلاف میان عربستان با برخی کشورها مانند امارات و غیره بوده‌ایم که اگر چه خبر جدیدی از این اختلاف‌های بنیادین به بیرون درز نمی‌کند، اما به نظر می‌رسد به هر ترتیب این دولت‌ها همچنان در پشت پرده بر سر منافع باهم درگیر هستند. در این میان ایالات متحده به عنوان شریک اصلی کشورهای عربی و همچنین

روسیه و چین به عنوان شرکای سطح دوم و سوم، اغلب به گونه‌ای در منطقه غرب آسیا و سپس شمال آفریقا گام برداشته‌اند که دولت‌های عربی حاشیه خلیج فارس را مجبور به هماهنگی با آنها کنند و به نوعی (مستقیم یا غیر مستقیم) از طریق آنها معادلات را دستخوش تغییر قرار دهند. به عنوان مثال یمن، سوریه، عراق و حتی لبنان از جمله کشورهایی هستند

مصر، عربستان و امارات بر جسته‌ترین غایبان نشست اتحادیه عرب در طرابلس به حساب می‌آیند. در همین راستا و در واکنش به غیبت این کشورها، نجلاء المنقوش، وزیر خارجه دولت لیبی در ابتدای این نشست مشورتی به شدت تلاش‌های بر خی طرف‌ها برای شکستن اراده مردم لیبی را محکوم کرد

غیبت تعمدی ۱۷ وزیر خارجه در نشست مشورتی اتحادیه عرب در لیبی؛

بایکوت دولت وحدت ملی در دقیقه ۹۰



که نه تنها آمریکا و سایر قدرت‌های اروپایی و شرقی در آنها مداخله دارند، بلکه واشنگتن و متحدانش از طریق دولت‌های ذی‌نفوذ عربی در این کشورها سناریوی خود را پیش می‌برند. حالا این روند به لیبی رسیده است و به نظر می‌رسد که این کشور با وجود آنکه مردمش معمر قذافی را ۱۲ سال پیش به خاک سپردند، اما هنوز هم در آرامش به سر نمی‌برند و هر روز یک داستان و پروژه جدید را تجربه می‌کنند.

حصار کشی عربی به دور طرابلس

چندی پیش خبری آمد که گویای برگزاری نشست مشورتی اتحادیه عرب در لیبی بود و بسیاری از رسانه‌های مستقر در کشورهای عربی آن رایک نوع چالش جدی برای این نهاد منطقه‌ای قلمداد کردند. حدود یک روز پس از اعلام تاریخ برگزاری نشست مذکور در لیبی، رزمه‌هایی شنیده می‌شد مبنی بر اینکه وزیران خارجه مصر، عربستان و امارات در نشست مشورتی وزیران

خارجه کشورهای عضو اتحادیه عرب در طرابلس غایب خواهند بود. هنوز صحبت و سقم این اخبار تأیید یا رد نشده بود که یکباره یک منبع در وزارت خارجه دولت وحدت ملی لیبی به خبرگزاری اسپوتنیک خبر داد که سامح شکری، وزیر خارجه مصر در نشست مشورتی وزیران خارجه عرب حضور نخواهد یافت. چندی بعد و در این رابطه یک منبع دیپلماتیک دیگر هم تأکید کرد که عبدالله بن زاید، وزیر خارجه امارات و فیصل بن فرحان، وزیر خارجه عربستان نیز در این نشست شرکت نخواهند کرد و آنجا بود که بحث‌ها در بستر رسانه‌ها بالا گرفت. روزنامه رأی‌الیوم در اینباره نوشت که نشست مشورتی وزیران خارجه کشورهای عضو اتحادیه عرب در حالی شامگاه یکشنبه در طرابلس لیبی برگزار شد که فقط پنج عضو از مجموع ۲۲ کشور عضو در آن مشارکت کردند و به عبارتی دیگر ۱۷ وزیر خارجه غایب بودند که ایسن موضوع تاکنون سابقه نداشته است. طبق گزارش این روزنامه، احمد ابوالغیط، دبیر کل اتحادیه

عرب نیز در این نشست حضور نداشت که عملاً نشان می‌دهد این نشست ماهیت سیاسی و حقوقی نداشته است. رأی‌الیوم در ادامه می‌نویسد که این اتفاق بیانگر اختلافات میان کشورهای عربی بر سر دولت وحدت ملی به ریاست عبدالحمید الدبیبه و رقابت آن با فتحی پاشاغا نخست‌وزیر مکلف شده توسط پارلمان طبق (شرق لیبی) و مورد حمایت خلیفه حفتر، فرمانده نیروهای

نشست مشورتی وزیران خارجه کشورهای عضو اتحادیه عرب در حالی شامگاه یکشنبه در طرابلس لیبی برگزار شد که فقط پنج عضو از مجموع ۲۲ کشور عضو در آن مشارکت کردند و به عبارتی دیگر ۱۷ وزیر خارجه غایب بودند که این موضوع تاکنون سابقه نداشته است

موسوم به «ترش ملی لیبی» است. طبق این گزارش، برخی کشورها از جمله قطر نیز سطح نمایندگی خود را کاهش داده و به جای وزیر خارجه، باوزیر مشاور در این نشست مشارکت کردند اما به هر ترتیب مصر، عربستان و امارات بر جسته‌ترین غایبان نشست اتحادیه عرب در طرابلس به حساب می‌آیند. در همین راستا و در واکنش به غیبت این کشورها نجلاء المنقوش، وزیر خارجه دولت لیبی در ابتدای این نشست مشورتی به شدت تلاش‌های برخی طرف‌ها برای شکستن اراده مردم لیبی را محکوم کرد. وی تأکید کرد لیبی که ریاست دورهای اتحادیه

عرب را بر عهده دارد، مصمم است نقش خود را در این اتحادیه به طور کامل ایفا کند و از سیاسی کردن منشور اتحادیه خودداری می‌کند. در مقابل فتحی پاشاغا، نخست‌وزیر مکلف شده توسط پارلمان طبق (شرق لیبی) در توفیتی از مصر، عربستان و امارات به دلیل مشارکت نکردن در نشست اتحادیه عرب به ریاست دولت الدبیبه تشکر و قدرانی کرد. پاشاغا همچنین از الجزایر و تونس، دو همسایه لیبی که وزرای خارجه‌شان در نشست حضور داشتند خواست در سیاست‌هایشان در قبال لیبی بازنگری کنند و پشت سر دولتی که دوره آن به پایان رسیده حرکت نکنند.

با نگاهی به این اختلاف‌ها به خوبی می‌توان فهمید که اگر چه سعودی‌ها با چندین و چند کشور عربی اختلاف جدی دارند اما به هر ترتیب آن‌ها در مورد منافع خود و متحدان منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای‌شان هنوز بر این نظر هستند که باید با یکدیگر همکاری کنند. از منظر دیگر باید توجه داشت که لیبی شاهد بحران سیاسی فزاینده در پی نزاع بین دو دولت است؛ یکی به ریاست فتحی پاشاغا، وزیر کشور سابق که پارلمان طبق به آن رای اعتماد داد و دیگری دولت وحدت ملی است که از دل توافقات سیاسی تحت نظارت سازمان ملل بیرون آمده و بیش از یک سال است تشکیل شده و عبدالحمید الدبیبه آن را هدایت می‌کند؛ اما این دولت اعلام کرده که واگذاری قدرت را تنها از طریق انتخابات می‌پذیرد. حال باید دید بایکوت طرابلس به کجای می‌رسد.

خبر

ابتکار ولیعهد عربستان برای پیشبرد عادی سازی روابط با اسرائیل



وجود، چشم‌انداز بن سلمان در مناطقی که دارای اهمیت سیاسی بلندمدت نیست، به تدریج عملی و طی روندی گنداجرای خواهد شد. گلوپس ادامه داد: مسائل، کمی به آرامش نیاز دارد، ما خواهیم دید که دولت نتانیاهو به کجا پیش خواهد رفت اما در پایان به نفع تمامی کشورهای ذی ربط است که به توافق کاملی دست یابند. اخیراً، گزارش‌ها و شاخص‌ها در مورد آمادگی عربستان برای ورود به حیطه عادی‌سازی بیشتر شده است. گزارش‌ها اشاره به این دارد که بن سلمان مانعی برای عادی‌سازی با اسرائیل نمی‌بیند، اما وجود پدرش، ملک سلمان بن عبدالعزیز بر جسته‌ترین مانع در این مسیر است.

دولت کویت استعفاداد



دارایی و «براک الشیتان»، وزیر مشاور در امور کابینه و همچنین بازگرداندن گزارش‌های کمیسیون مالی به کمیسیون‌ها تأیید کرد. گفتنی است اختلافات میان دولت و پارلمان پس از گذشت بیش از دو ماه از تشکیل برای بازپس‌گیری استیضاح «عبدالوهاب رشید»، وزیر

جهان نما

دو پچه‌وله گزارش داد؛

فروپاشی اقتصادی لبنان و نابودی طبقه متوسط



«بحران سیاسی و اقتصادی لبنان طی سال‌های اخیر، ساختار جمعیتی این کشور را دچار تغییری کرده که از جنس مثبت نبوده است و از طرفی کارشناسان معتقدند که این نابرابری در آینده گسترش خواهد یافت و پیامدهای بیشتری را برای اقتصاد و مردم لبنان به همراه خواهد داشت.» دو پچه‌وله در گزارشی نوشت: «بیروت، پایتخت لبنان به شهر تضادها بدل شده است. خودروهای گران‌قیمتی در مقابل رستوران‌ها و کافه‌های لوکس پارک می‌شوند، اما این در حالیست که مردمان این کشور از تمامی سنین وقت خود را صرف جست‌وجو در مخازن و زباله‌های می‌کنند تا چیزی قابل خوردن پیدا کنند.

آنافلیشر، رئیس دفتر بنیاد آلمانی هاینریش بل در بیروت به دو پچه‌وله گفت: همچنین مردم زیادی در خیابان‌ها گدایی می‌کنند؛ مردمی که عمده آن‌ها کودکان هستند، اما در میان‌شان بزرگسالان هم به چشم می‌خورد. گرچه شناسایی ملیت آن‌ها دشوار است، اما می‌توان حدس زد که اکثر آن‌ها پناهجویان سوری هستند اما لبنانی هم در میان‌شان وجود دارد.

بی‌ثباتی سیاسی به همراه بحران اقتصادی مداوم که از قضا توسط همه‌گیری کووید-۱۹ و انفجار بندر بیروت در اوت ۲۰۲۰ بدتر شد، این کشور را به مرز فروپاشی سوق داده است.

پس از سال‌ها رکود شدید اقتصادی در لبنان که با کاهش ۹۵ درصدی ارزش پول آن همراه بوده، طبقه متوسط این کشور عملاً از بین رفته است. در ماه مارس ۲۰۲۰، بانک جهانی ارزش و جایگاه لبنان را به کشوری با درآمد متوسط رو به پایین تغییر داد.

حسین چیتو، اقتصاددان در یک مرکز تحقیقاتی مستقر در بیروت به دو پچه‌وله گفت: یک شخصی که یک میلیون و ۵۰۰ هزار پوند لبنانی درآمد دارد، در گذشته درست‌پیش از بحران، درآمدش معادل هزار دلار ارزش داشت، اما اکنون این میزان به کمتر از ۲۰۰ دلار رسیده است.

طبق گزارش اخیر دیده‌بان حقوق بشر (HRW) در خصوص افزایش گرسنگی و فقر در لبنان، لئاسمیت، محقق ارشد در این مرکز با اشاره به نگرانی‌هایی مبنی بر «ناامنی غذایی» در لبنان اظهار کرد: میلیون‌ها لبنانی به سمت فقر سوق داده شده‌اند و میزان غذای مصرفی مردم این کشور کاهش یافته است.

با این حال، هیچ نشانه‌ای از تغییر در این کشور دیده نمی‌شود و سیستم مالیاتی هم کمکی به وضعیت کلی در لبنان نمی‌کند.

علاوه بر این مشکلات، آن دسته از افرادی که حقوق خود را به پوند لبنان دریافت و با کمک‌هایی را از طریق نهادهای خیریه کسب می‌کنند، از یک موضوع دیگر رنج می‌برند. بانک‌ها به آن دسته از افرادی که دلار آمریکا در حساب خود دارند، پول نقد محدودی می‌دهد.

لین زوویگیان، یکی از بنیانگذاران و مدیر عامل شرکت همنام که نوعی بستر سرمایه‌گذاری اجتماعی و مداخلات اجتماعی-اقتصادی مبتنی بر تحقیقات را توسعه می‌دهد به دو پچه‌وله گفت: یکی از مهم‌ترین منابع درآمد خانواده‌ها در لبنان، ارسال وجه از سسوی برخی اعضای خانواده‌است که خارج از کشور زندگی می‌کنند. از طرفی بخش دولتی و حتی خصوصی کشور که دچار فروپاشی شده، نرخ بیکاری را در لبنان افزایش داده است. این کشور همچنین در حوزه اقتصاد وارد فضای دوقطابتویی تحت عنوان «لارگرایی» می‌شود اما این فضا بر اساس قانون یا سیاست نیست. این مورد بدون کنترل قیمت یا مجازات در برابر سوءاستفاده‌های مالی در حال رخ دادن است.

در همین حال، مذاکرات بین دولت لبنان و صندوق بین‌المللی پول (IMF) منجر به توافقی در سطح کارکنان برای طرحی به ارزش حدود سه میلیارد دلار ظرف ۴۶ ماه آینده شده است، اما این در حالیست که یک برنامه‌ای مبنی بر بهبود وضعیت مالی برای حمایت از آسیب‌پذیرترین اقشار جامعه، گنجانده نشده است.»